

## دراسة تحليلية للأسلوب الأدبي في مقامات حريري ونفثة المصدور نسوي

ماهر حسن السح<sup>1\*</sup>

\*1 دكتور عضو هيئة تدريسية، قسم اللغة الفارسية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة دمشق.

[maher.alsuh@damascusuniversity.edu.sy](mailto:maher.alsuh@damascusuniversity.edu.sy)

### الملخص:

مقامات حريري ونفثة المصدور نسوي، أثران في النثر العربي والفارسي القديم، يمتاز كل عمل أدبي بمكانته الخاصة عند أهل الأدب، لامتلاكه العناصر الفنيّة والأدبية الخاصة؛ وهذا ما لم تتم دراسته من قبل بصورة مشتركة وإنما تم تناولهما بصورة منفصلة بأبحاث تتلخص بكتابة فن المقامات والصور البلاغية المستخرجة من نفثة المصدور والمختصات اللفظية في علم البديع وغيرها.

دراسة الأسلوب الأدبي اعتمد منهجية المقارنة التحليلية وقد تمّ الإستفادة القصوى من المقدرة اللغوية والجمال البلاغية والشعر، على الرغم من اختلاف الموضوع بينهما ولكن هناك تشابه إلى حد كبير في النثر الفني المستخدم وألفاظ السجع. وفي هذه الدراسة تناول الباحث «مقامات حريري ونفثة المصدور» مبيّنا مفهوم «الأسلوب» ومدى ارتباطه بكامل عناصر النص.

**الكلمات المفتاحية:** دراسة تحليلية، مقامات حريري، نفثة المصدور، الأسلوب الأدبي، الخصائص الأسلوبية.

تاريخ الإيداع: 2024/04/29

تاريخ القبول: 2024/09/16



حقوق النشر: جامعة دمشق -  
سورية، يحتفظ المؤلفون بحقوق  
النشر بموجب الترخيص  
CC BY-NC-SA 04

# A Comparative Study of Literary Styles in Mqamat Hariri and Naftha Al-masdour Nassavi

Maher Hasan Alsuh\*<sup>1</sup>

1 \*Professor. University Teacher- The College of Arts and Sciences-  
Univvercity Damascus- pergian Language.

[maher.alsuh@damascusuniversity.edu.sy](mailto:maher.alsuh@damascusuniversity.edu.sy)

## Abstract:

Mqamat Hariri and Naftha al-Masdour Nasavi, as two prose works in the ancient Arabic and Persian literature, have a special technical prose and stylistic aspects with the spokespersons, so that up to now there has not been a joint research between the two authors but separately many researches have been done on the writing, rhetorical and aesthetic aspects of Nafteh al-Masdour and the exquisite coordinates and more volitional

The stylistic coordinates of the two works have a comparative and analytical aspect, the results of both of them have been used to a good extent in terms of writing assignments, tendency to poetry and use of language abilities.; it is true that the subject of their story is different, but in terms of his technical prose, he is very close. In this paper, Hariri authorities and Fatha al-Masdour Nasavi studied the structure of a technical style and attempted to clarify the role of the "style" element in it in order to create a link between other textual elements.

**Keywords:** Comparative study, Mqamat Hariri, Nafthat al-Masdour, Literary style, Stylistic coordinates.

Received: 29/04/2024

Accepted: 16/09/2024



**Copyright:** Damascus University- Syria, The authors retain the copyright under a CC BY- NC-SA

## بررسی تطبیقی سبک ادبی در مقامات حریری و نفثه‌ی المصدر نسوي

### چکیده:

مقامات حریری و نفثه‌ی المصدر نسوي، به عنوان دو اثر منثور در ادب کهن عربی و فارسی؛ با داشتن نثر فنی و جنبه‌های سبکی از جایگاه ویژه‌ای نزد سخن‌شناسان برخوردار هستند؛ به گونه‌ای که تاکنون پژوهش‌های مشترک میان دو نویسنده انجام نشده است؛ بلکه به صورت جدا از هم پژوهش‌های فراوانی پیرامون مقامه‌نویسی، جنبه‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی نفثه‌ی المصدر و مختصات بدیعی و لفظی بیشتر انجام شده است.

مختصات سبکی دو اثر جنبه‌ی مقایسه‌ای تحلیلی دارد که حاصل هر دو از لحاظ تکلف نویسی، گرایش به شعر و استفاده از توانایی‌های زبانی به میزان خوبی استفاده شده است، درست است که موضوع داستان هر دو اثر فرق می‌کند؛ ولی از لحاظ نثر فنی و مسجع نسبتاً به هم نزدیک‌اند. در این نوشتار، مقامات حریری و نفثه المصدر نسوي ساختار از لحاظ سبک فنی مورد مطالعه قرار گرفته و کوشش شده است تا نقش عنصر "سبک" در راستای ایجاد پیوند میان دیگر عناصر متنی، آشکار گردد.

**کلید واژه:** بررسی تطبیقی، مقامات حریری، نفثه المصدر، سبک ادبی، مختصات سبکی.

### المقدمة:

از جمله شاهکارهای ادبی در ادب عربی، «مقامات حریری» است که به عنوان اثری ارزنده، از زمان نگارش؛ یعنی قرن پنجم هجری، تاکنون با استقبال گسترده ادیبان و ادب دوستان رو به رو گردیده است. در قرن هفتم توسط شهاب الدین محمد خزندری زیدری نسوی کتاب تاریخی-ادبی است به نام «نفثه‌ی المصدر» نوشته شد. نیز باگام نهادن فن نثر مقامات حریری کتاب دارای سبک ادبی فنی و مصنوع و سرشار از آرایه‌های درهم پیچیده و چند لایه شعری است.

حریری با برگزیدن قالب داستانی در «مقامات حریری» با نثر شاعرانه «نفثه‌ی المصدر نسوی» از سخن آهنگین و عبارتهای موزون را بهره بردند. موضوع حریری که همگی بر "گدیه و فریب کاری" می‌چرخد، بر خلاف «نفثه‌ی المصدر» که کتاب از واگویی‌های دل‌درمند نویسنده شوربخت، سیه روزی که در قرن هفتم نوشته شده است. وی شک میزان نثر نویسنده استفاده بی‌اندازه از آرایه‌های بسیار ادبی است آمیخته با احساسات و عواطف رقیق انسانی در آن دیده می‌شود.

«در طول دوره‌های مختلف، علما و دانشمندان ایرانی به دلیل اعتقاد و گرایش عمیق و ژرفی که به دین اسلام داشتند، زبان عربی را یک زبان بیگانه نمی‌پنداشتند و به‌هیچ روی در مقابل ورود واژگان عربی به ضعف زبان فارسی مؤثر نبود»؛ بلکه مهم‌تر از همه داشتن ادبیات نظم و نثر و ایجاد فرهنگستان معتدل و پرورش ادبا و شعرای برای نوشتن آثار بزرگی به وجود آمده است (بهار، 1381، ج1، ص: 255) همین امر باعث شد متون عربی به راحتی وارد حوزه‌ی زبان فارسی شوند و به دلیل سابقه‌ی زیادی که در این زبان داشتند، توانستند متن‌های جدیدی بیافرینند.

«نثر» از زمان رواج و در آغاز کار، به صورت ابتدایی، ساده، روان و طبیعی حرکت خود را شروع کرد و نویسندگان؛ مطالب و مفاهیم ذهنی و فکری خود را در قالب قابل فهم‌ترین صورت ممکن به نگارش در می‌آوردند. آنان تاحدی از الفاظ، استفاده می‌کردند که نیاز انتقال پیام و معنا را بر آورده سازد. به همین دلیل، از بیان زواید و حشوهای و مترادفات و امثال آنها تا حد امکان پرهیز کردند، اما نثر به این شکل باقی نماند و باگذر زمان، در مسیر تکاملی خود، دستخوش تحولاتی شد که آن را از صورت ابتدایی خارج کرد و بتدریج، توجه به انتخاب الفاظ و ظاهر آرایه‌های صوری و شعری هم در کنار بیان معنایی جای خود را در نویسندگی گشود. به همین ترتیب این موضوع به پیدایش نثر مصنوع و فنی انجامید و به عبارتی، می‌توان گفت نثر شاعرانه را به وجود آورد؛ به طوری که خواننده باخواندن آن احساس می‌کند در حال شعرخواندن است.

در نثر فنی، نویسنده توجه و آفری به زیبایی کلام و آرایش سخن دارد. در این نوع نثر، نویسنده پی در پی در ایجاد تناسب با مفردات و کلمات مجاور و توجه به هماهنگی و تقارن، نثر را به صورت تصویری رنگین در می‌آورد که در آنگاه پیوستگی معنوی کلام برای رعایت تقارن لفظی سست و ضعیف می‌شود، بخصوص در آثار نثر قرن هفتم و «در آغاز این دوره، تا حدودی نثر نویسان با کمال مهارت در این مسیر همراه با سیر طبیعی معنی پیش می‌رفتند ولیکن دیری نگذشت که در قبول تکلفات لفظی، جانب معنی را رها ساخته و نثر را تنها به صورت وسیله‌ای برای ابراز هنر در گزینش و استعمال هرچه بیشتر الفاظ، به کار می‌گرفتند. تا آنجا که گاه؛ نثر به واسطه‌ی وسعت مجالی که داشت، معنی جز وسیله‌ای برای جمع الفاظ متشابه و متجانس نبود.» (خطیبی، 1390، ص: 158).

واژه‌ی مقامه (المقامة لغة: موضع القدمين والمقام والمقامة بالضم: الإقامة والمقامة بالفتح: المجلس والجماعة من الناس). (ابن منظور، 1968، 12، ص: 498) در اصل واژه‌ی عربی است که به معنای مختلف آمده است سپس در نثر قرن چهارم هجری

برای گونه خاصی از مصطلح استفاده گردید. و به قول ملک الشعراء بهار در جلد دوم کتاب سبک شناسی به نقل از خطیبی که مقام به نوع یکی از آهنگ‌های موسیقی وفلان یک مقام می‌زند یا مقام می‌نوازد و «مجلس گفتن» یا خواندن قصص در انجمن‌ها با آهنگ، یعنی به اصطلاح-تکیه به صوت- نیز، هنوز در بلاد اسلام معمول است و شک نیست که زهاد در مجالس ملوک نیز سخنان خود را با آب و تاب مخصوص و با آهنگ ادا می‌کردند که بیشتر در شنونده تأثیر داشته باشد و عجب است که هنوز فقرا و گدایان در ایران و عرب، سؤال را با آهنگ و سجع و موازنه اظهار می‌دارند و این اثری است که از طرز ادای زهاد و فقرای حقیقی در مجالس و خانقاهها باقی مانده است» (خطیبی، 1390، ص 546).

مقامه به طور کلی از انواع داستان‌های بزرگ و کوچک می‌باشد که بانثر مصنوع آمیخته باشعرا در مورد یک قهرمان است که یک صورت ناشناس در داستان ظاهر می‌شود و همین که در پایان داستان شناخته می‌شود، ناپدید می‌گردد تا آن که دوباره در هیاتی دیگر، در مقامه بعدی آشکار گردد. (شمیسا، 1373، ص 207) لذا می‌توان گفت مقامات مجموعه‌ای از داستان‌های مجزا دانست که دارای وحدت موضوع می‌باشد هدف اصلی نویسنده در مقامات استفاده بیش از حد از زیبایی سخن و آهنگین بودن واژه‌ها و عبارات، بهره بردن بیش از پیش از انواع صنایع ادبی و آرایش سخن مورد نظر است. این توجه به عبارات پردازشی‌های صوری، بیشتر حالت افراط گونه به خود می‌گیرد تا آنجا که خواننده تمایلی به شنیدن موضوع داستان احساس نمی‌کند بلکه در پی آن است که غوامض لفظی و ترکیبات عبارات را حل کند و دریابد هنر و صنعتی را که در ترکیبات عبارات به کار برده شده بشناسد" (ابراهیم حریری، 1346، ص 11). «ابو زید سروجی» به عنوان قهرمان و شخص اول داستان و «حارث بن همام» راوی این داستان‌ها است به طور کلی مقامات می‌توان بازتابی است از اوضاع اجتماعی و اخلاقی عصر بشماریم که به زبان طنز و فکاهه و انتقاد در قالب حکایتی توانسته باجنبه‌ی لفظی آن خواننده را به خود جلب کند. نوشتار حریری متکلف و آکنده از صنایع و آرایه‌های ادبی است «نثر حریری با آنکه بسیار جذاب و منسجم است؛ در آن کمیاب و نوادر لغات فراوان به کار رفته؛ چنانکه گاه دشواری تعبیرات و صنایع لفظی، معانی را مبهم و غامض می‌سازد. در مقامات حریری، معنی همواره زیر سلطه و نفوذ لفظ قرار دارد» (خطیبی، 1390، ص 565).

«نفته‌ی المصدور» اثر شهاب الدین محمد خرنذری زیدری نسوی از نویسندگان و منشیان بزرگ دربار سلطان جلال الدین محمد خوارزمشاه که در نیمه‌ی اول قرن هفتم در سال (632 هـ) به نمونه‌ی بدیع نثر فنی و شاهکار عالی نثرمصنوع مزین و مؤثر نگاشت. «نفته‌ی المصدور» به معنی خلطی است که مبتلا به درد سینه از سینه بیرون افکنده و مجازاً به سخنی گفته می‌شود که از اندوه و ملال دل، شکایت، ناله و درمندی درونی برخیزد و گوینده را بدان راحت و آسایش روی نماید. (زیدری نسوی، 1385، ص 567). این کتاب ادبی تاریخی و در خصوص جنگ‌ها و درگیری‌های سپاهیان مغول با جلال الدین منکبرنی نوشته شده است و ایلات جنگ با دشواری‌های که بر این سلطان دلیر و جنگاور وارد می‌شده و نیز در توصیف مصایب و سختی‌های فراوانی است که خود مؤلف تحمل نموده است. خلاف بر طرح داستان حریری و کدیه او در مقامات با نفته‌ی المصدور وحدت موضوع دارد. ناله و شکایت از حوادث روزگار در حالی که درد مصیبت نفته‌ی المصدور را بیشتر است و این باعث شده بود که دو نویسنده ناموار تا حدی استفاده از الفاظ و عبارات و صنایع ادبی پوشیده شده است. یعنی گاهی تشعشعات شعری در نثر این کتاب موج می‌زند و خودشان را با برجستگی تمام می‌نمایاند.

### سبک واهمیت آن:

داشتن "سبک" از ویژگی‌های همه کاربردهای زبانی است و با وجود روشن بودن مفهوم کلی آن ارائه تعریفی که شامل همه انواع و مفاهیم "سبک" شود، دشوار به نظر می‌رسد. در این تحقیق و قبل از ورود به اصل مطلب، به بیان چند تعریف نسبتاً جامع از سبک، بسنده می‌گردد و از سوی سبک در زبان عربی به معنی گداختن و ریختن زره و نقره در قالب است. در اصطلاح ادبیات، سبک، روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات است. (بهار، 1381، ص 14) برای آشنائی جزئی تر با محدود مفهوم سبک، مطالعه تعریفی دیگر، خالی از فایده نیست. جمال میر صادقی، سبک را رسم و طرز بیان دانسته است و می‌نویسد که سبک تدبیر و تمهیدی است که نویسنده در نوشتن به کار می‌گیرد؛ به این معنی که انتخاب واژگان ساختمان دستوری، زبان مجازی، تجانس حروف و دیگر الگوهای صوتی در ایجاد آن دخالت دارد. (میر صادقی، 1376، ص 506)

بر پایه آن چه که در دو تعریف بالا آمده است عناصر تشکیل دهنده سبک ادبی را می‌توان در سه مورد زیر بر شمرد:

#### 1- نوع‌گزینش واژگان - 2- زبان تصویری - 3- شکل ساختمان جمله (نحو).

ناگفته نماند که زبان و ادبیات عربی که در طی قرن‌ها همه جا از خراسان تا بغداد و اندلس بخاطر دستیابی به تعمق در دقایق قرآنی و حدیث تلقی می‌شود و هدف اصلی آن فهم آیات و احادیث و درک رمز کتاب و سنت بوده و مورد توجه بیشتر نویسندگان و شاعران قرار می‌گرفت. از قرن ششم به بعد، به استعمال صنایع لفظی و سجع‌های مکرر و جمله‌های مترادف المعنی و مختلف اللفظ و آوردن الفاظ و کلمات عربی را به نثر فارسی راه می‌دهد و ذکر شواهد عربی و تلمیحات و استدلالات قرآنی و استفاده از امثال و حکم عربی پدید می‌آید که به آن «نثر فنی» می‌خوانند و نمونه‌های خوب آن (کتاب کلیله و دمنه - مرزبان نامه - نفثه المصدور - تاریخ و صاف - گلستان سعدی...) (رستگار فسایی، 1392، ص 62). از اواسط قرن ششم تا اوایل قرن هفتم بیشتر نویسندگان و دبیران این عصر هم به سوی ادبیات عربی توجه دارند و از واژه‌های عربی و سجع و ترکیبات به خوبی استفاده کردند و بهترین دلیل «کتاب نفثه المصدور» هم اسم عربی و هم دیگر از تلمیحات و استدلالات قرآنی و ایراد احادیث و امثال از عربی به فارسی مورد استفاده قرار گرفت.

بر این اساس، سبک شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی، وظیفه دارد تا افزون بر بررسی معیارهای گزینش سبک برتر و شناخت زمینه‌ها و انگیزه‌های فردی ادیب در انتخاب یک سبک از میان انواع سبک‌ها؛ به مسائل مهمی مانند بیان دلایل گزینش واژه از سوی نویسنده، تشخیص معانی لغوی و مجازی واژگان، تحلیل تصویرهای موجود در متن ادبی به عنوان تجربه‌های حسی نویسنده و شناخت کوتاهی و بلندی، سادگی و پیچیدگی جملات، بپردازد. (کئی، 1933، ص 109).

گذشته از مسائل فنی سبک و سبک شناسی، نکته پر اهمیت در این بحث، نقش به سزای بررسی سبک ادبی دو اثر مهم در ادبیات عربی و فارسی تا به مختصات نوشتاری آن بر خواننده آشکار شود. ادیبان اعم از نویسندگان و شاعران، با آگاهی همه جانبه بر قدرت بالای تأثیر گذاری سبک، کوشش می‌کنند، در فرایند پرورش و رشد ادبی خود، سبک مناسبی را برای انتقال اندیشه و احساس خود به خوانندگان اثر ادبی، الگوی خودش قرار دهند و به یاری نوع زبان و روش بیان، بیشترین تأثیر را بر روح جان و مخاطبان، ایجاد نمایند.

### سبک ادبی در مقامات حریری:

مقامات، راز گشای درون پوشیده نویسنده آن است. درونی که گشایش آن تنها با شناخت زبان و سبک مقامات و رمزهای آن ممکن خواهد بود؛ زیرا نویسنده "در باب هر چیز و هر کس که بنویسد سر خود را باز گفته است" (ایرانی، 1380، ص: 298). خواننده مقامات با خواندن نثر داستانی آن به عمق وجود نویسنده اش راه می‌یابد و در دنیای او، رازهای را کشف می‌کند که اگر آن‌ها را به خود نویسنده باز گوید، شاید باحیرت و اعتراض او روبه رو شود.

حریری در مقامات، سعی کرد تا مسائلی را پیرامون فرد و جامعه عصر خویش مطرح کند و موضع گیری‌های خود را نسبت به این مسائل به خواننده منتقل کند. وی برای انتقال این اندیشه‌ها و بیان جهت گیری‌های خود، زبان ویژه‌ای را برگزیده است که تکرار برخی عوامل در آن، گرایش‌های ذهنی وی را نشان می‌دهد. و با مطالعه‌ی اثر مقامات حریری و بررسی سبک او به محورهای زیر می‌توان اشاره نمود.

### الف) شیوه‌ی تصنع و تکلف:

حریری، سبک خود را با توجه به سبک مقامه نویسی و شیوه نگارش در عصر خویش برگزیده است. او به خوبی می‌داند که داستان نویسی، فعالیتی زبانی است و ضروری ترین شرط موفقیت در آن؛ تسلط نویسنده به زبان است. به گونه‌ای که بیشترین واژه‌ها را در حافظه اندوخته باشد ویر توان ظرفیت معنایی واژگان، ظرافت و سختی، سادگی و پیچیدگی آن‌ها آگاه باشد. افزون بر این؛ بتواند اندیشه‌ها، احساسات خود را از طریق "زبان" به خوانندگان عصر خود منتقل نماید. زیرا؛ عصر حریری عصری است که ادیبان را تنها در نگارش چنین نثری به آثار مصنوع و متکلف ارزش می‌دهند و توانایی ادیب را تنها در نگارش چنین نثری می‌سنجد. پس، اگر حریری در عصر خویش همانند "ابن مقفع" یا "جاحظ" می‌نوشت اثرش جذابیت کنونی را نداشت. او خود در مقدمه مقاماتش به مصنوع بودن اثر خویش اعتراف می‌کند و ویژگی‌های این نوع نثری را بر شمرد:

"... أنشأت علی ما أعانیه من قریحة جامدة و فطنة خامة و رویة ناضبة و هموم ناصية خمسين مقامة، تحتوي علی جد القول و هزله، و رقیق اللفظ و جزله، و غرر البیان و درره، و ملح الآداب و نوادره، إلی ما و شحتها به من الآیات، و محاسن الکنایات، و رصعته فیها من الأمثال العربیة، و اللطائف الأدبیة، و الأحاجی النحویة، و الفتاوی اللغویة، و الرسائل المبتكرة، و الخطب المحبرة" (مقامات حریری، 1978، ص: 12). یعنی همه‌ی ویژگی‌هایی مصنوع بودن این نثر در پنجاه مقامه جمع شده، با استفاده از کنایات، آیات قرآنی، احادیث، کنایات، مثل‌ها، معماهای نحوی و فقهی، جای مقامات خود را با مثل‌ها و حکمت‌ها نیز آراسته است. او را از پرداختن به بزرگ‌ترین گنجینه واژگان عربی، در مقامات خویش باز نداشته و شاید همین امر موجب شده است تا ابن خلکان بگوید: مقامات حریری بسیاری از واژگان عربی را در بر گرفته است (ضیف، 1964، ص: 302).

### ب) صنعت کلامی با استفاده از حکمت‌ها و کنایات:

عمده‌ترین ویژگی سبک شخصی حریری را پیچیدگی و مهارت شگفت انگیز وی در نگارش نامه و خطبه‌هایی دانست که آن‌ها را در لابه لای داستان‌هایش جای داده و با هنرمندی به خدمت هدف داستان پردازی خود در آورده است چنین جمله که در مقامه واسطیه به تصویر می‌کشد "إنی سأخطب فی موقف عقدک و مجمع حشدک خطبة لم نفتق رتق سمع ولا خطب بمثلها فی جمع" (مقامات الحریری، 1873، ص: 293). یعنی من سخنی خواهم گفت که هیچ گوش‌شنیده است و در هیچ انجمنی گفته نشده است. افزون بر نو آوری، نکته جالب و قابل توجه در صنعت پردازی حریری این است که وی این توانایی‌ها را به شخصیت‌های

داستانیش نسبت می‌دهد وچنین ابتکاراتی را از زبان آنان بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده بی آنکه بخواهد، مهارت حریری را به شخصیت اصلی داستانیش، یعنی ابو زید سروجی وراوی آن، یعنی حارث بن همام نسبت می‌دهد. بهترین نمونه برای حکمت‌هایی وکنایات را در مقامه (نصیبیه) به حد اعلی می‌رساند. آن گاه باکنایه از مرگ به "أبی یحیی"، از گرسنگی به "أبی عمره"، از سفره به "أبی جائع" واز سکباج به "أم القری" واز حلیم به "ام جابر" واز تشمت وافتابه به "المرجفین" و.... یاد می‌کند.

### ج- کاربرد شعر در لایه لای نثر:

استفاده از شعر در میان نثر یکی از ویژگی‌های نثر فنی می‌باشد. بدیهی است که استفاده از کلام منظوم ومنتور کاربردهای مشخصی دارد. "هرکجا اندیشه غالب است بیان باید به نثر باشد؛ هر کجا احساسات غالب است بیان باید به نثر باشد؛ هر کجا احساسات غالب است بیان ممکن است به نثر باشد یا به نظم، مگر هنگامی که احساساتی کاملاً شخصی به طور قاطعی چیره است. در این صورت بیان می‌طلبد که منظوم باشد" (ایرانی، 1380، ص 205).

حریری اگر چه زبان ونثری مصنوع برای بیان داستان‌هایش انتخاب کرده است، ولی به خوبی توانسته است شرایط اجتماعی عصر عباسی را به نمایش گذارد. شخصیتی چون ابوزید با آن زبان آهنگین وادبیش دریایی از دانش وادب می‌باشد؛ اما دست تقدیر دشمنی روزگار باطبقه ادیبان ودانشمدان، او را واداشته است تا به انواع نیرنگ وفریب چنگ زند. او می‌کوشد تا در داستان‌هایش دیدگاه خود را درباره جامعه انسانی به خوانندگان مقاماتش عرضه کند. هدف او تنها ارائه نثری مصنوع نیست؛ زیرا در بیشتر مقامه ها، تصویر مشکلات در جامعه، آرایه‌ی شرایط بد اقتصادی واجتماعی، سختی‌های که مردم می‌چشاند به تصویر کشید:

"قلما اردی الدهر الأعضاء وجمع بالجوارح الأکباد وانقلب ظهرا لبطن، نبا الناظر وجفا الحاجب وذهبت العين وفقدت الراحة وصدأ الزند...." (الشريشي، أبو العباس، 1418، ج2، ص115) حریری در چنین مواردی نیز استفاده وی از شعر در خدمت داستان مطرح شد. به گونه ای که اگر شعر را از داستان برداریم، روند داستان مختل می‌شود. چنان که در پایان مقامه دیناریه چنین می‌گوید:

"قللت كيف ادعيت القزل، وما مثلک من هزل؟ فاستسر بشره الذی کان قد تجلی ثم أنشد حين ولی:

ولکن لأفرع باب الفرج	تعارجت لا رغبة فی العرج
واسلک مسلک من قد مرج	وألقي حبلی علی غاربی
فلیس علی أعرج من حرج	فإن لأمنی القوم قلت اعذروا

( مقامات الحریری، 1978، ص:32).

### د- بهره گیری از زبان تصویری:

حریری در مقامات خود از قدرت القایی زبان بهره بسیار برده است تا از الهام معنای لغوی آن، در بیان خود سود جوید.. هدف وی از گزینش واژه‌ها، بهره گیری از معانی مجازی و قدرت القایی آن‌هاست تا با این روش نیازهای داستان وعلايق شخصیت‌هایش را بر آورده سازد.

حریری در مقاماتش، با مردم، مکان ها، اشیاء وروابط آن‌ها به گونه‌ای عملی سر وکار دارد؛ پس باید به میزان زیادی بر زبان تصویری حقیقی بنا شود. حریری می‌داند که وظیفه اصلیش در زبان تصویری مقامات، ارضاء خواست ومیل خواننده نسبت به



درک جزئیات ویژه ملموس و مشخص است. برای تشدید تیرگی و تلخی زندگی فقیرانه‌ای که ابو زید و حتی خود راوی با آن دست به گریبان است در همان آغاز داستان با تصاویر: شب، غربت، سرما، گرسنگی،...زمینه چینی می‌کند، تاذهن خواننده را برای ورود به داستانی که درون مایه‌اش بیان فقر و پیامدهای آن یعنی ریا، نیرنگ، فریب و فساد است، آماده کنند. بنا بر این، تلخی در تصویر به همین راحتی با نثر نفثه المصدر قابل مقایسه نمود چون نثر از واگوهای دل را سخن می‌گفتند و به تصاویر زیبا و دلچسب را می‌کشاندند.

### سبک ادبی در نفثه المصدر:

شهاب الدین زیدری نسوی در سبک خویش با پیروی از سبک حریری تا همچون در کتاب تاریخ ادبی وی را به انواع صنایع ادبی بیاراید و به اثر خود ویژگی نثر فنی خود را ببخشد، نثری که آرایه‌های ادبی مانند: سجع، هم‌آوایی، مراعات نظیر، جناس، ترصیع و... در آن فراوان به کار رفته است. سبک فنی و مصنوع و متکلفی را که زیدری نسوی برای نگارش نفثه‌ی خود برگزیده است. سخن خود را به همین گونه آغاز کرده است:

"در این مدت که تلاطم امواج فتنه، کار جهان بر هم شورانیده است و سیلاب جفای ایام، سرهای سروران را جفای خود گردانیده، طوفان بلا چنان بالا گرفته که کشتی حیات را گذر بر جداول ملمات متعین گشته، بروق غمام بصر ربای "یکاد البرق یخطف أبصارهم" به بریق حسام سر ربای متبدل شده...." (نفثه المصدر نسوی، 1381، ص 1). در نفثه المصدر آرایه‌های بسیار ادبی به کار رفته است، هم احساسات و عواطف رقیق انسانی در آن دیده می‌شود و هم توصیف‌های شاعرانه و نازک خیالی‌های بسیار. سجع آن نیز دارای نمونه‌هایی از سخنان ساده و آهنگین خواجه عبد الله انصاری و سجع ملایم و معتدل سعدی در گلستان و سجع متکلف و مصنوع و واژگان دشوار و خشن حریری در "مقامات" است. و در اینجا ویژگی‌های سبک ادبی نسوی را در موضوعات زیر مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهیم.

### الف) سخن آرای و لفظ پردازی و حسن توصیف:

در مطالعه‌ی نفثه المصدر خواننده از نگاه اول درک خواهد یافت که نویسنده تا چه اندازه نسبت به صنایع و فنون بیان و زینت‌های زبان و قدرت توصیف مهارت دارد. عبارت‌ها، اصطلاحات و کلماتی، مثل: تلاطم امواج فتنه، سیلاب جفای ایام، طوفان بلا، بریق حسام، بروق و برق و بریق از چند تا سطر اول نشان می‌دهد که قدرت و الایی داشت. به خاطر همین بر ظرافت‌های زیبای ظاهری، و جملات کوتاه و پر معنایی را اهمیت می‌داد. "بار سالار ایام چون بار حوادث در هم بسته، تیغ به سریاری در بار نهاده" (همان).

زیدری نسوی این قدرت نمایی هنرمندانه را در سراسر کتابش به صورت‌های گوناگون به تصویر زیبا کشیده است. این رابطه باعث شده است که رابطه‌ی هنری و ادبی و فنون بلاغی زبان را به وجود بیارد. برای نمونه: "به نغمات خسروانی از نغمات خسروانه متغافل شده و به اوتار ملاحی از اوطار پادشاهی متشاغل گشته. سرود رود، درود سلطنت او می‌داد و او غافل؛ اغانی مغانی بر مثال و مغانی، مرثیه‌ی جهانبانی او می‌خواند و او بی خبر..". (همان ص 18).

در بسیاری موارد، در نفثه المصدر آنچنان صنایع گوناگون ادبی و وجوه متعدد محاسن کلام در هم می‌آمیزند که گویا انسان فراموش می‌کند که کتاب تاریخ می‌خواند. البته متن کتاب، شرح و بیان حوادث زمان خویش است، و بیش از اینکه کتاب تاریخی را بدانیم، یک اثر ممتاز ادبی به شمار می‌آوریم. زیدری نسوی ماجرای وقایع جلال الدین و مغول را بیان می‌کند. این نثر در این

دوران گاهی به تکلف گویی وگاه افراط گرایی کشیده می‌شود، به خاطر اینست که قرن هفتم وعهد مغول بر ایجاد وتبعیت از چنین سبکی بی تأثیر نبوده است. گرایش نثر فنی منحصر بر ادبیات نیست بلکه در متون تاریخی هم بخوبی تصویر کشید. تیم شبی که باد سخت، نفس بایک دو افتاد؛ رمقی را مانده بود، رقم عدم نهاد، تغیر حال دال شد که عنقای روح از عین این عاریت خانه به قاف عقبی می‌رود. (همان ص 90) نویسنده در این عبارت از آرایه‌های ادبی متعددی استفاده کرده وکلام خود را با آن زینت داده است؛ از جمله: جناس، مراعات النظیر، تشبیهات، کنایه، واج آرای، ایهام وصنایعی دیگر که در این متن به کار برده است.

### ب) سبک طرح داستان تاریخی - ادبی نفثه المصدر:

یکی از ویژگی‌های مهم وطرح دار نفثه المصدر این است که ویژگی دراماتیک داستان‌های تاریخی-ادبی به تدریج رو به افزون می‌گذارد وبیشتر به دردهای وواگویی‌های دل را بازگو می‌کرد.

نسوی در «نفثه» فضای مورد نیاز خود را فراهم سازد وپس از حمله‌های مغولان ودرد سوزناک این مصیبت توانسته با زمزمه‌های درونی را به پارچه رنگارنگ مبدل کرده است. بابره گیری از صنایع لفظی وادبی، متن او را به گونه‌ای پرداخته است که خواننده را از سجع‌های بی نظیر وجملات مرصع را لذت ببرد.

"آن که تیغ در میغ نشاندی وبه شمشیر در روی شیر برفتی وبه چنگ وقت جنگ بتاختی واز درق تیر، هدف تیر ساختی وبه نیزه گاه با سماک بر آویختی وبهرام را وقت اصطیاد،گور پنداشتی..." (همان ص 44). زیدری نسوی، ماجرای وقایع جلال الدین منکبرنی ومغول را بیان می‌کند؛ اما صرفا بازگویی نیست. زبان وصف ادبی وبیان شاعرانه، عاطفه بر انگیز است. البته، ناگفته نماند؛ در این نثر در این دوران گاهی به تکلف گویی وگاه افراط گرایی کشیده می‌شود، به خاطر این است که قرن هفتم وعهد مغول بر ایجاد وتبعیت از چنین سبکی بی تأثیر نبوده است. گرایش به نثر فنی ولفظ پردازی وآرایه سازی ادامه راه نویسندگان ادبیات عرب که بهترین نمونه‌ی آنها مقامات حریری که به شیوه‌ی تصنع هم وپر تکلف اظهار می‌نمود.

گرچه در بعضی موارد، استعارات وکنایات وتشبیهات او زائد به نظر می‌آید ولی به طور کلی توانمندی او در آفرینش استعارات وابتکار مضامین بکر به نمایش گذاشته است وبه روشن شدن زوایای موضوع‌های متن می‌افزاید واز قدرت نویسنده وتسلط او بر دو زبان عربی وفارسی بازگو می‌کند.

پس زیدری به راحتی می‌توان گفت: در نفثه‌ی خود از قدرت القایی زبان بهره بسیار برده است تا از الهام معنای لغوی آن، در بیان خود سود جوید. استفاده‌ی او از معانی مجازی وقدرت القایی آنها است در سراسر کتاب مشهود است.

### ج) بهره گیری از توانای‌های زبان در ابتکار نثر شاعرانه:

در "نفثه‌ی المصدر"، هم آرایه‌های بسیار ادبی به کار رفته است، هم احساسات وعواطف رقیق انسانی در آن دیده می‌شود وهم توصیف‌های شاعرانه ونازک خیال‌های بسیار است. بنابر این سبک نگارش این کتاب یک دست نیست. این خلایقیت نویسنده که قدرت او در استخدام الفاظ به خوبی نشان می‌دهد.

این گونه نثر شاعرانه آمیخته (ترکیبی) از واژگان فارسی روان وعربی نه چندان دشوار ودور از ذهن استفاده شده بود. واین باعث شده که متن نثری بر آرایش‌های کلام وزیبایی‌های سخن محکم واستوار ایجاد کند. کوشش‌های نویسنده در توصیف معتنی از انواع صنایع لفظی ومعنوی، مثل: تشبیه، استعاره، تشخیص، مجاز، کنایه، سجع، جناس، ایهام، تضاد، تناسب، تلمیح، لف

ونشر، واج آرابی، تضمین، اقتباس، وتصویرگری‌های شاعرانه وقرینه سازهای ماهرانه، وابداع استعارات وتشبیهات نو وکنایات بدیع ودور از ذهن به نثر خود امتیازی بخشد ودر آن تنوعی ایجاد کند.

زیدری نسوی این قدرت نمایی هنرمندانه را در سراسر کتابش به صورت‌های گوناگون به تصویر کشیده است. او نسبت به قواعد وساختار فارسی و عربی مسلط است وجالب اینجاست که اصطلاحات خاص این قواعد را در خدمت بیان حوادث کتابش در می‌آورد وبه زیبایی آن می‌افزاید. یکی از نمونه‌های او که در وحدت سازمانی خاصی ببخشد وخواننده را در تحیر هنر خود فرو برد:

"اجل دو اسبه در پی، عقاب عقاب در شتاب ومجلس اعلی در شراب؛ نهنگ جان شکر در آهنگ وایشان در نوا وآهنگ؛ ارقم آفت در قصد جان بی درنگ وایشان در زخمه وترنگ" (همان ص 41-42).

در این عبارت کوتاه، بسیار از آرایه‌های ادبی (بیانی و بدیعی) دیده می‌شود؛ واین دریچه‌ای را به منظره زیبایی‌ها، لفظ پردازی‌ها ومضمون سازی‌های دو تا کتاب بر روی خواننده بگشاید که تحقیقاتی ومطالعاتی دیگر می‌طلبد تا این اثر گرانبه بانگاهی عمیق وزیر مذاقه صاحب نظران قرار بدهد.

#### نتیجه گیری:

1- این دو کتاب مجموعه‌ای است از دو نثر فنی که پر از زیباترین آرایه‌های ادبی ونکته‌های بلاغی، همراه بانازک اندیشی، خیالات پردازی وجولانگاه احساسات وعواطف است که از این جهت نه تنها بر بسیاری از نثرهای شاعرانه که بر بسیاری از دیوان‌های شعر نیز برتری دارد.

2- دو نویسنده ناموار بیشترین ومهمترین ابزارهای وآرایه‌های آفرینش نظم وشعر را در خلق اثر خود به کار برده اند. آرایه‌های به کار رفته در جمله‌ها وعبارت این کتاب چند بعدی ودر هم پیچیده است؛ بدین معنی که دو تا نویسنده در هنگام نوشتن یک جمله به چندین جنبه‌ی سبکی وزیباشناختی توجه داشته‌اند. ایشان بخصوص به جنبه‌ی موسیقایی سخن اهمیت بسیار می‌دهند.

3- سبک کتاب مقامات شاید یکدست کلا حساب شود ولی نفثه المصدر خواننده حس می‌کند به سه نوع نثر ساده، فنی ومصنوع در آن مواجه می‌شود. هرچند از کلمات وواژگان سخت ودشوار عربی در دو متن آشکار می‌شود ولی از زیبایی متن را کاسته نمی‌شود.

#### التمويل:

هذا البحث ممول من جامعة دمشق وفق رقم التمويل (501100020595).

## منايع وماخذ:

- 1- بهار، محمدتقي (1381ه.ش). سيكشناسي؛ ج1، تهران: زوار.
- 2- خطيبي، حسين (1390ه.ش). فنّ نثر در ادب پارسي؛ تهران: انتشارات زوار.
- 3- ابن منظور، محمد (1968م). لسان العرب، طبعة دار صادر، بيروت.
- 4- شميسا، سيروس (1373 ه.ش). انواع ادبي، تهران فردوس: ج2.
- 5- ابراهيم حريري، فارس (1346ه.ش)، مقامه نويسي، انتشارات دانشگاه تهران.
- 6- مير صادقي، جمال (1376ه.ش) عناصر داستان، تهران: سخن. ج3.
- 7- رستگار فسايي، منصور (1392 ه.ش) انواع نثر فارسي، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- 8- كئي، ويليام پاتريك (1933م) چگونه ادبيات داستاني را تحليل كنيم. ترجمه مهرداد ترابي نژاد ومحمد حنيف. تهران: نشر زيبا.
- 9- ايراني، ناصر (1380ه.ش). هنررمان. تهران. نشر نگاه.
- 10- الحريري البصري، محمد (1978م) مقامات حريري، دار بيروت للنشر.
- 11- ----- (1873م) مقامات حريري، مطبعة المعارف بيروت.
- 12- ضيف، شوقي (1964م). الفن ومذاهبه في النثر العربي. قاهره: دار المعارف.
- 13- الشريشي، ابو العباس (1418ه.ق) شرح مقامات حريري تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت المكتبة العصريه.
- 14- زيدري نسوي، شهاب الدين محمد (1381ه.ش). نفثة المصدر. تصحيح وتوضيح دكتور امير حسين يزدگردى، تهران: توس.